

گمراهی‌ها را گشتی که هدایت کند

لطف تو بادش طهر طوفان

زیر قند پذیرم زان بخت

شکر سوز هم طوطیا

سر سیداحمد خان در آئینهٔ جام جم

نیلوفر حفیظ ♦

ای ناخدای کشتی‌اسلامیان هند لطف تو باد شرطهٔ طوفانیان هند
 زین قندپارسی که زبان تو ریخته شکرشکن شوند همه طوطیان هند
 از مردمان دریغ دم عیسوی مدار ذات تو همچو جان به جسد در میان هند
 (مولوی ابراهیم حسین)

سر سیداحمد خان شخصیتی متفکر و مبلغ اخلاق و مردمی، راهنما و رهبر ملت، مخلص و مصلح قوم و عالم‌نواز، ادب‌پرور و هنردوست بود. وی همچنین عالمی زبردست، مترجمی هوش‌مند، تاریخ‌نگاری بالغ‌نظر، شاعری کم‌نظیر، مکتوب‌نگاری عالی، واعظی خوش‌بیان و نویسنده‌ای یگانه‌عصر خود بود. کالبدِ خاکی وی از طراوتِ یک جهان کمالات معنوی آباد بود. این مردِ دوران‌دیش و دقیق در طول عمر پربرکتِ خود باکوش‌های پیروزمندانه و عالمانه در همهٔ عالم شهرت عام و بقای دوام یافته. وی از دانش و حکمت، همت و لیاقت، دیانت و صداقت و علم و عمل خود شنوندگان و بینندگان را مجذوب و مسحور می‌کرد که شاید هیچگاه نظیر آن‌مرد با کمال در کشورهند پدید نیاید. این انسان عظیم و عالی و بزرگ و برتر در شهر دهلی در روز پنجم ذی‌الحجه ۱۷ اکتبر ۱۸۱۷ میلادی در حویلی خواجه فریدالدین احمد متولدشد، او را سیداحمد نام گذاشتند. سیداحمد تحصیلات مقدماتی را به سرپرستی پدر محترم آقا محمدمتقی خان و مادر عزیز، عزیزالنساء ادامه داد. سپس از غلام حیدرخان علم

طب و از مولوی مخصوصاً علم حدیث و تفسیر فراگرفت. بعد از آن به جمع معاصرین شعرای فارسی وارد و مانند محمدابراهیم ذوق، اسدالله خان غالب، شاه نصیر، مؤمن خان مؤمن و شیفته کسب فیض کرد، و شعرگفت، و «آهی» تخلص گذاشت. ولی سر سید به عنوان یک شاعر در میان دانشوران و محققان زیاد شناخته نمی‌شود؛ زیرا که تعداد اشعارش در طول حیات وی بسیار اندک است، ولی سروده‌هایش مانند آثار علمی و ادبی دیگر وی از در کلام اردو و فارسی مقامی بلند و شامخ دارد. اگر سیداحمد خان با یکسویی به طرف شعرگویی متوجه می‌شد، حتماً پایه‌ای بلند می‌یافت. در اینجا نمونه‌ای از اشعار سر سید احمدخان را نقل می‌کنیم که به عنوان «حدیث دل» شهرت یافته است، و خیلی دلنواز و خوش‌آهنگ به نظر می‌آید:

فلاطون طفلکی باشد به یونانی که من دارم

مسیحا رشک می‌آرد به درمانی که من دارم

ز کفر من چه می‌خواهی، ز ایمانم چه می‌پرسی

همان یک جرعه عشق است، ایمانی که من دارم

خدا دارم، دل برهان به عشق مصطفی دارم

نه دارد هیچ کافر ساز و سامانی که من دارم

ز جبریل امین قرآن به پیغامی نمی‌خوانم

همه گفتار معشوق است قرآنی که من دارم

ز برهان تا به ایمان سنگ‌ها دارد ره واعظ

ندارد هیچ واعظ همچون برهانی که من دارم

از ابیات مذکوره روشن می‌گردد که در اشعارش لطافت، عذوبت، چاشنی و نغمگی زیاد است، ولی در پرتو کمالات ادبی و تحقیقی، علمی و ادبی عظمت شاعرانه وی بر اهل جهان منکشف نشد. به هر حال وقتی که سر سیداحمد خان فقط بیست‌ساله بود پدرش فوت کرد. سر سید از مرگ پدر خویش مشوش و هراسان و ملول شد. ولی مادرش برای تعلیم و تربیت اعلای سر سید از هیچ دقیقه فرونگذاشت. به همین سبب است که سر سیداحمد خان از مادر خویش با کلمات عالی یاد می‌کند. وی در «سیرت فریدیه» می‌گوید:

«بدون شک مادر نیکوصفت بهتر از هزار استاد است»^۱.

سر سیداحمد خان در سال ۱۸۳۸ در عدلیهٔ دهلی به منصب صدر امین مقرر شد، و بعد از آن به سال ۱۸۳۹ در کمیشنری آگره به عنوان منشی معاون ملازمت کرد. سپس در ۱۸۴۱م. در مین پوری عهدهٔ منصفی یافت. در ۱۸۵۵م. در بجنور به حیث صدر امین کارهای گرانقدر انجام داد و در ۱۸۵۹م مدرسه‌ای بنا کرد. این مرد عالی‌همت در سال ۱۸۶۲م به غازی پور رفت و آنجا هم مدرسه‌ای تأسیس کرد. در سال ۱۸۶۴م وی به شهر علیگره آمد. این همان شهر همایون است که خواب‌های سر سید در آن به تعبیر رسید. وی در بیست و چهارم مه ۱۸۷۵م دانشکده‌ای به نام «محمدمن اینگلو اوریتل کالج» را بنا کرد که در عصر ما این دانشکده، بزرگ‌ترین دانشگاه اسلامی در سراسر جهان به شمار می‌آید. این دانشکده در حدود ۲۵ سال با راهنمایی و رهبری سر سید ترقی و پیشرفت یافت. از اقدامات شرافت‌مندانه و برادرانه و رفیقانهٔ سر سیداحمد خان در دانشگاه اسلامی علیگره اتحاد ملی پدید آمد و صدها نفر از تشنگان علم از دریای علم فیض یاب و سیراب شدند. سر سیداحمد خان تا دم آخر خدمت در بارهٔ پیشرفت این دانشگاه متفکر بود و سرانجام در ۲۷ مارس ۱۹۹۸م چراغ زندگانی این انسان عالی در همین جا خاموش، و در حیاط مسجد جامع دانشگاه علیگره مدفون شد.

قوم را سرمایهٔ مجد و غلا از دست رفته بعد از آن کاین گنج را در خاکدان انداختند

تا قیامت گویی از تاراج ما فارغ شدند کاین مصیبت بر سر اسلامیان انداختند^۲

سر سیداحمد خان برای بیداری قوم و ملت همه عمر مصروف به عمل بود. وی ده‌ها اثر علمی و ادبی هم از خود به یادگار گذاشت. مثلاً جام جم، انتخاب‌الاکوین، جلاءالقلوب به ذکرالمحبوب، تحفهٔ حسن، تسهیل فی جراتقیل، ترجمه فوایدالفکار فی اعمال‌الفجار، آثارالصنادید، قول‌المتین در ابطال حرکت زمین، کلمة‌الحق، راه سنت در رد بدعت، نمیقه در بیان تصور شیخ، سلسلهٔ الملوک، سلسلهٔ السلوک، ترجمهٔ چندین ورق از آغاز کتاب کیمیای سعادت، تصحیح آیین اکبری ابوالفضل، تاریخ سرکشی بجنور،

۱. سیرت فریدیه، سر سیداحمد خان، ص ۴۷.

۲. حیات جاوید، مولانا الطاف حسین حالی، ص ۲۸۳.

اسباب بغاوت هند، ترجمه تبیین الکلام فی تفسیر التوراة والانجیل علی ملة الاسلام، تصحیح و تدوین تاریخ فیروزشاهی، تصحیح و تدوین توزک جهانگیری، رساله طعام اهل کتاب، الخطبات احمدیه فی العرب و سیرت المحمدیه، تفسیرالقران، النظر فی بعض مسایل الامام الغزالی، تصانیف احمدیه، ترقیم فی قصة اصحاب الکهف و الرقیم، ازالة الغین عن ذی القرنین، تحریر فی اصول التفسیر، رساله ابطال غلامی، سیرت فریدیه، مقاله نسبت نزول علوم دینیہ و عربیہ و فلسفہ یونانیہ، مسلمان کی قسمت کا فیصلہ، تفسیر السموات، قدیم دیہی ہندوستان، تبریة الاسلام عن شین الانعام، تفسیر الجن و الحان علی ما فی القرآن وغیرها، معروفترین تألیفات سر سیداحمد خان بہ شمار می‌آیند و برلیاقت و صلاحیت شگفت‌انگیز وی دلالت می‌کنند. علاوه بر این آثار مذکورہ صدها مقاله تحقیقی، تاریخی، تنقیدی و ادبی در مجله‌های مختلف بہ قلم وی بہ چاپ رسیدہ است. مانند: مکتوبات سر سید، خطوط سر سید، مقالات دورہ آخر و آثار سر سید و غیرها کہ او را از معاصرین ممتاز می‌کند.

سیداحمد خان مانند علوم دیگر در فن تاریخ‌نویسی ہم بہ ذرۂ کمال و پختگی و عظمت رسیدہ بود. آثارالصنادید، سلسلۃ الملوک، تصحیح و تدوین آیین اکبری، تصحیح توزک جهانگیری، تصحیح و تدوین تاریخ فیروزشاهی و جام جم و غیرها مهم‌ترین و معروفترین آثار تاریخی وی بہ شمار می‌آیند. این مرد عالی و باہمت از افادیت و اہمیت تاریخ بہ کلی باخبر بودہ و جابجا در بارہ ارزش و قیمت تاریخ اظهار نظر می‌کردہ است، و ہمیشہ تأسف می‌خورد کہ قوم و ملتش از کارنامہ‌های تاریخی آباء و اجداد خود بی‌خبر بودہ و بہ ہمین سبب است کہ دست‌نگر اقوام غیر شدہ است. چنان کہ می‌گوید:

«وقتی کہ براحوال ہم‌وطنان نگاہ می‌کنم، می‌بینم کہ از زمان گذشتہ اینقدر ناآشنا و بی‌خبرند کہ برای تعیین کردن راه‌های پیشین هیچ موجود نیست. نمی‌دانند کہ دیروز چه بود، امروز چه است. بدین جهت برای آیندہ در دسترس ایشان چیزی نیست»^۱.

۱. مجموعه لکچرز، مرتبه منشی محمد سراج‌الدین، ص ۱۵۰.

همین طور در دیباچه «المامون» در بارهٔ اهمیت و ارزش تاریخ این طور اشاره می‌نماید:
 «قومی کم‌نصیب می‌شود که کارنامه‌های بزرگان خویش فراموش می‌کند. تاریخ
 ما آن وقت نوشته شده است که فن تاریخ به اوج کمال نرسیده بود. بدین جهت
 گوهر آبدار کارنامه‌های بزرگان ما جابجا منتشراند»^۱.

حالا می‌خواهم مهم‌ترین اثر تاریخی سر سیداحمد خان یعنی «جام جم» را معرفی
 مختصری بنمایم. «جام جم» نقشهٔ مختصر و تاریخی مشتمل بر شرح حال فرمانروایانی
 است که به دارالسلطنت دهلی فرمانروایی کرده‌اند. وی این کتاب را در دوران ملازمت
 خود در سال ۱۸۳۹ به رشتهٔ تحریر آورده است. در این کتاب ذکر سی - چهل نفر از
 فرمانروایان دهلی آمده است. «جام جم» از امیر تیمور آغاز می‌شود تا سراج‌الدین
 بهادرشاه ظفر به پایان می‌رسد. مولف در آغاز دیباچه‌ای مختصر هم نوشته است. سر
 سیداحمد خان اولین کسی است که تاریخ فرمانروایان دهلی را به شکل جدولی مندرج
 کرده است. وی این جدول را در هفده ستون منقسم کرده است، و همهٔ ستون‌ها را
 با عنوان‌های مختلف درجه‌بندی کرده است. وی دربارهٔ شاهان دهلی اطلاعات مهمی
 بهم رسانیده است. بعضی محققین و دانشوران ادب می‌گویند که سیداحمد این کتاب را
 برای حکام انگلیسی نوشته بود و حکام وقت او را برای نوشتن این کتاب آماده
 کردند. زیرا که این نقشهٔ فرمانروایان دهلی برای حکام انگلیسی در حکومت‌رانی
 معاون می‌توانست بود. به همین جهت سر سیداحمد این کار بزرگ و تازه را انجام
 داد تا آقایان انگلیسی منصب و عهده وی افزون کنند و شهرت علم و فضلش بر اهل
 جهان آشکار گردد. ولی حقیقت ازین خیال دانشوران دور به نظر می‌آید، زیرا که در
 طبیعتش تملق و چاپلوسی هرگز نبود. هرچند که وی در ملازمت حکومت انگلیسی
 بود، ولی شواهد روشن می‌سازد که سر سید هیچ‌جا و در هیچ‌حال خودداری،
 عزت‌نفس و خودشناسی خود را از دست نداده بود. غالباً هدف اصلی سیداحمد از
 تألیف کردن رسالهٔ «جام جم» این بود که خوانندگان و حقیقت‌جویان در کم‌ترین وقت

۱. سر سیداحمد خان اور ان کا عهد، ثریاحسین، ص ۲۲۴.

۲. سر سید اور جدیدیت، پروفیسور افتخار عالم، ص ۶۹.

اطلاعات زیاد به دست بیاورند و از زحمت ضخامت کتب تاریخی آزادی یابند. چنان‌که سر سید خودش در مورد سبب تألیف این کتاب توضیح داده است. وی در دیباچه «جام جم» می‌نویسد:

«بر این معنی قرار یافت که مجملی از حال شاهان سلف و سلاطین خلف به‌طورجدولی به قید قلم آرد که طالبان حال و استقبال از ورق‌گردانی مطولات تواریخ استراحت یابند، و مقاصد ضروریه را به آسانی دریابند»^۱.

از سطور بالا نتیجه برمی‌آید که مقصود از تألیف این کتاب حکام‌نوازی نیست. سر سید احمدخان «جام جم» را از توصیف و تعریف شهر دهلی آغاز می‌کند، و سرزمین دهلی را «گل زمین خیرالبقا» می‌گوید، که همیشه این شهر با رونق دارالخلافة فرمانروایان عالی و پرشکوه بوده است. مؤلف کتاب در باره حشمت و جلال شاهان گورکانیان هم سخن رانده است، وی در آغاز کتاب درباره دهلی و فرمانروایان آن این‌طور رقم‌طراز است:

«از آنجا که گل‌زمین خیرالبقاء دهلی که پاره‌ای از آن وقت گل‌کردن نهال دولت شاجهان بادشاه صاحب قران ثانی اسکنه‌الله ببحبوخته جنابه به حضرت شاه‌جهان‌آباد موسوم است، همیشه دارالایالت راجهان والاشان و دارالخلافت بادشاهان دودمان بوده، و اکثری از بلده‌های شرقیه و شهرهای شمالیه و غیره تحت حکومت این حکام ذوی الاقتدار مانده، یکی از سلسله‌های فرمانروایان این افضل‌البلاد خاندان والاشان گورکانیه است، که حلقه اطاعتش به‌گوش شاهان گیتی رشک هلال است، و از ریش سحاب افضالش عالمی از گوهر چون سینه صدف و گنجینه کان مالا مال»^۲.

از مطالعه کتاب این نکته هم به نظر می‌رسد که سر سیداحمد خان از ذات رابرت هملتن بسیار متأثر بوده است. وی در دیباچه «جام جم» در باره مستر رابرت هملتن سخن‌رانده، و در نظم و نثر توصیف و تمجید زیاد ورزیده است. این همان رابرت

۱. جام جم، سر سیداحمد، تصحیح و ترتیب پروفیسور ریحانه خاتون، ص ۲۸.

۲. همان، ص ۲۸.

هملتن است که به عنوان منصف در دهلی آمده بود و با سر سید روابط دیرینه داشت. رابرت هملتن برای سر سید منصب عدلیه هم تجویز کرده بود، ولی سر سید به پیش نظر طبع غیور و خوددار و قناعت‌پسند خودش آن عهده را قبول نکرد، و از رابرت هملتن معذرت خواست. سپس رابرت هملتن به آگره رفت و در ۱۸۳۹م آنجا برای سر سید عهدهٔ معاون منشی را تفویض کرد و سر سید بعد از پس و پیش مختصر آن منصب را قبول کرد و بسیار زیاد سپاس‌گزاری نمود. سر سید همین سال در آگره معروف‌ترین کتاب خودش یعنی «جام جم» را به رشتهٔ تحریر آورد که در ۱۸۴۰م چاپ گردید. وی لطف و کرم هملتن را هیچ‌جا فراموش نمی‌کند، تا جایی که در دیباچهٔ مختصر «جام جم» هم از عنایات و کرم هملتن تشکر زیاد ورزیده است. از همین روشن می‌شود که سر سید از صمیم قلب معتقد وی بوده است. در دیباچهٔ کتاب عقیدت‌مندی و ارادت‌مندی خود را این‌طور نشان داده است:

«مستر رابرت صاحب بهادر صاحب کلان مستقرالخلافة اکبرآباد دام اقباله که فلک را از اطاعتش بلندی مرتبه ذخیزهٔ دامان است، و زمین از فیض قدومش ناز برآسمان. زندگان دامنش را عقدهٔ بسته نماند، و بستگان کمند التفاتش را مشکلی بسته نباشد. من خاکسار، که ذرهٔ آستانش سپهر من است، از کج‌رویی گردون طینت چه‌باک دارم، و از کج‌رفتاری سپهر بی‌مهر چه اندیش‌ناک باشم که همچو امیرکبیر دستگیر من است»^۱.

سر سیداحمد خان در «جام جم» به عنوان «حال مولف این رساله» هم نوشته و اطلاعات مهم و پرارزشی دربارهٔ بزرگان خویش به دست ما رسانیده است. وی در ابتداء ناپایداری جهان را ذکر نموده، که در این جهان هرچه که هست گذرنده و فانی است؛ لذا عز و جاه، حشمت و کمال این دار فانی برای افتخار و رشک نیست. سپس دربارهٔ اجدادش چنین بیان می‌نماید:

«از آنجا که طبع روزگار اقتضای آن دارد هرچه که هست درگذرد، سوبه‌سو بناهای بلند فروریخته و جابه‌جا خانه‌های بزرگ برافتاده، و چون چنین است،

۱. جام جم، سر سیداحمد، ص ۳۱.

والانظرانی که آن بناهای بلند فروریخته را پایه شناسند و آن خاندان‌های بزرگ برافتاده را نگاه‌دارند نیز به دهر نیایند... آباء و اجدادم به ذره‌گی آفتاب سلطنت روشناس شه‌ریاران بوده‌اند؛ باید که بزرگان خود را در این صحیفه برشمارم تا یادگاری ماند^۱.

سر سیداحمد خان به نسبت خود همیشه افتخار می‌کرد که سلسله نسبش به جناب سیدالشهداء امام حسین علیه‌اسلام می‌پیوندند. به همین جهت وی در نظم و نثر درباره عز و بزرگی، علم و دانش، و جاه و مرتبه خانواده خود با الفاظ پرشکوه یاد کرده است. در «جام جم» هم در باره نسبت خویش این‌طور می‌سراید:

گرچه خوردیم نسبتی است بزرگ بنده آفتاب تابانیم^۲

بعد از این دیباچه مختصر جدول ذکر شاهان دهلی مندرج شده است. چنان‌که متذکر شد، این نقشه از سال ۸۰۱ هجری از امیر تیمور آغاز می‌شود و چهل‌وسه تن از فرمانروایان از خانواده امیر گورکان را ذکر نموده است. وی این جدول را در هفده ستون منقسم کرده و هرستون را عنوانی داده است. مانند اسم فرمانروا، نام پدر فرمانروا، اسم مادرشاه، قوم، سال ولادت شاه، محل جلوس، عمر جلوس، تاریخ جلوس، مدت فرمانروایی، سکه، عمر، سال وفات بادشاه، تاریخ وفات، لقب بعد از وفات بادشاه، مدفن و کیفیت شاه را رقم کرده است. پروفیسور ریحانه‌خاتون در این جدول اضافه‌های مهمی کرده است. وی درباره اضافه خودش چنین می‌نویسد:

«در نظربنده این کامل نیست، پس همین است اسامی پنج نفر در این فهرست اضافه نموده‌ام»^۳.

سر سیداحمد خان برای ترتیب دادن این تاریخ بسیار عرق‌ریزی کرده است، با این‌همه همه‌جا اطلاعات وی کامل نیست. زیرا که در این نقشه بعضی جاها اسم مادر شاهان معلوم نیست، یا از سال درست ولادت فرمانروایان خبری نیست، درباره سکه‌ها

۱. جام جم، سر سیداحمد، ص ۳۲.

۲. همان، ص ۳۳.

۳. همان، ص ۲۳.

اطلاع کافی در دست نیست، و در بعضی موارد مدت عمر شاهان در دسترس نیست. باز هم این مرد باکمال آنچه که نوشته بلاتردید و بدون شبه کاری بزرگ و پرارزش است، که پیش از وی کسی این شیوهٔ تاریخ‌نویسی به کار نیاورده بود. سر سید در خاتمه کتاب اسم کتاب‌های زیر را آورده است که در دوران تألیف «جام جم» از آنها استفاده نموده است مثلاً تاریخ فرشته، تاریخ فیروزشاهی، تاریخ افغانه، تاریخ مظفری، تاریخ عالمگیری، تیمورنامه، تاریخ بابری، طبقات اکبری، تاریخ اکبرشاهی، اقبال‌نامه جهانگیر، مرات آفتاب‌نما، تاریخ محمدمهدی، جنگ‌نامه، تاریخ سکندری، خلاصه‌التواریخ، تاریخ علی محمدبداؤنی، مسوده تاریخ مبیضه و شجره مؤلفه جناب عبیدالله خان و غیرها. علاوه کتب مذکوره برای بعضی اطلاعات مهمی که از اشخاص معتبر به دست آورده آن را هم مندرج کرده است، چنان‌که در پایان کتاب رقم‌طراز است:

«علاوه آن مسوده‌ها که بعض مردم ثقات درگوش رسیدند، آن هم جمع نمودم»^۱. چنانکه متذکر شد سیداحمد خان شاعر هم بود و از «جام جم» هم این نکته می‌گشاید که لب و لهجه کلام سر سید رنگ و آهنگ جداگانه دارد. وی فی الفور شعر می‌توانست گفت. وی در این کتاب، مثنوی‌ای سیزده بیتی و تاریخ وفات ابونصر معین‌الدین محمداکبرشاه ثانی را سروده است. اینجا تاریخ وفات ابونصر نقل می‌کنم:

چون برفت از جهان شه اکبر شد سیه آسمان ز دود جگر
پای شادی شکست و احمد گفت سال تاریخ او غم اکبر^۲

در پایان «جام جم» قطعه‌ای از میرزا حاتم علی بیگ متخلص به مهر آمده است که از مصرعه آخر این قطعه تاریخ تألیف این کتاب توثیق می‌شود.

ترتیب یافت هر گه این نسخه جام جم نام خامه به عزم سالش بگرفت مهر مضطر
هم مهر و هم قلم را تاریخ دلکش آمد آئینهٔ سکندر جام جم است بنگر^۳

۱۲۵۵ هجری

۱. جام جم، سر سیداحمد، ص ۷۳.

۲. همان، ص ۴۵.

۳. همان، ص ۷۳.

در پایان می‌توان گفت که این کتاب در فن تاریخ مقامی بلند و ارجمند دارد و از بعضی جهات بسیار مهم، مفید و پرارزش است، و نه فقط برای محققین مورد استفاده است بل از سوی هردانشجو که به زبان و ادب فارسی علاقه دارد سزاوار است که مورد مطالعه قرارگیرد. این دسته‌ای از گل‌های رنگارنگ است و هرکسی می‌تواند طبق ذوق و ضرورت خود گلی از آن دسته انتخاب کند، از روز تألیف «جام جم» تا عصر حاضر با همه بی‌تفاتی و بی‌نیازی بیگانگان و آشنایان از ارزش تاریخی و افادیت ادبی آن کاسته نشده است.

منابع

۱. سیرت فریدیه، سر سیداحمد خان، مطبع مفیدعام آگره، ۱۸۹۶م.
۲. حیات جاوید، مولانا الطاف حسین حالی، راکیش پریس دهلی ۱۹۷۹م.
۳. مجموعه لکچرز، مرتبه منشی محمد سراج‌الدین، کشمیری بازارلاهور.
۴. سر سیداحمد خان اور ان کا عهد، ثریاحسین، چودری آفسیت پرنترس دهلی، ۲۰۰۶م.
۵. سر سید اور جدیدیت، پروفیسور افتخارعالم، عقیف پرنترز، دهلی، ۲۰۱۳م.
۶. جام جم، سر سیداحمد، تصحیح و ترتیب پروفیسور ریحانه خاتون، اندوپرشین سوسائیتی، دهلی، ۲۰۱۱م.